

## حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، با نگاه به تجربه حفاظت در ایران

رضا ابویی\*  
ذات‌الله نیک‌زاد\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۸

### چکیده

حفاظت معماری و تاریخ معماری هر یک مفهوم و حوزه جداگانه‌ای دارند. حفاظت حفظ اثر تاریخی و استمرار حیات آن را دنبال می‌کند و تاریخ معماری به دنبال شناخت و فهم معماری گذشته است. حفاظت با بناهای تاریخی که شواهد تاریخ معماری محسوب می‌شوند، سروکار دارد که علاوه بر سرنوشت این شواهد، تحقیق تاریخ معماری نیز اهمیت می‌یابد. در این تحقیق، به دنبال آنیم که بفهمیم رابطه حفاظت معماری و تاریخ معماری چگونه به وقوع می‌پیوندد و در این رابطه، چه نسبتی میان این دو قابل تصور است؟ هدف از این نوشتار، فهم این نسبت برای پیشبرد تاریخ معماری ایران است. روش تحقیق به کاررفته، توصیفی تحلیلی و با اتکا به استدلال‌های عقلی است. راه به دست آوردن داده‌ها کتابخانه‌ای و در موارد محدود، مشاهدات میدانی بوده است. برای تبیین موضوع حفاظت در جایگاه عمل و جایگاه نظر شناسانده شده و تاریخ معماری در دو معنای تاریخ (۱) معماری و تاریخ (۲) معماری به کار رفته است. نقطه تلاقی و اشتراک حفاظت و تاریخ معماری در فضای کاری حفاظت و در دو پرده اصلی به وقوع می‌پیوندد. پرده نخست مربوط به مطالعات مقدماتی حفاظت است؛ زیرا اثر تاریخی (اثر معماری) را به درستی نمی‌توان مرمت کرد مگر آنکه به درستی شناخته شود و بخش مهمی از این شناخت در حوزه تاریخ معماری روی می‌دهد. پرده دوم در حین انجام عملیات حفاظتی روی می‌نماید. به این نحو که ممکن است نشانه‌هایی در بنای تاریخی آشکار شود که تا پیش از این شناخته شده نبود؛ این آثار در واقع شواهد تازه‌ای است که دست‌مایه‌ای برای تاریخ معماری محسوب می‌شود. نحوه عمل حفاظت و تاریخ معماری، آن‌ها را در نقش پیش‌برنده (خادم) یا سدکننده (مانع) نسبت به هم آشکار می‌کند. تجربه حفاظت در ایران نیز بیان‌کننده رابطه میان حفاظت و تاریخ معماری است که آغاز جدی آن از میانه دهه ۱۳۴۰ ش است. تاریخ‌نگاری معماری بناها و مجموعه‌هایی از قبیل مسجدجامع اصفهان، کاخ عالی‌قاپو، کاخ چهل‌ستون اصفهان، مسجدجامع اردستان، گنبد سلطانیه و دیگر بناها در حین حفاظت و مرمت به‌انجام رسید. مطالعات منتشرشده نشان می‌دهد شناختی که در حین حفاظت از بناها حاصل شده، مبتنی بر شواهد و اسناد پنهان در بنا بوده و نسبت به تاریخ‌نگاری‌هایی که از راه‌های دیگر حاصل شده، متفاوت است.

### کلیدواژه‌ها:

حفاظت معماری، مرمت، تاریخ معماری، تاریخ‌نگاری معماری ایران، باستان‌شناسی.

\* دانشیار دانشگاه هنر اصفهان

\*\* پژوهشگر دکتری مرمت بناهای تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان، نویسنده مسئول، zatnikzad@yahoo.com

## پرسش‌های پژوهش

۱. رابطهٔ حفاظت معماری و تاریخ معماری چگونه به‌وقوع می‌پیوندد؟
۲. آیا می‌توان با نگاه به تجربهٔ حفاظت معماری در ایران تحقیق تاریخ معماری را ردیابی کرد؟
۳. چه نسبتی میان حفاظت معماری و تاریخ معماری قابل‌تصور است؟

### مقدمه

حفاظت اقدامی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ آثار تاریخی است و برای پیشبرد اهدافش با حرفه‌ها و تخصص‌های گوناگونی، از جمله تاریخ معماری، ارتباطی تنگاتنگ می‌یابد. این امر با ترسیم نحوهٔ ارتباط، فهم مرزهای مشترک و انطباق گستردهٔ موضوعی هر یک ممکن خواهد شد که در تحقیق به آن‌ها پرداخته شده است. درک عمق این رابطه و تأثیرگذاری آن می‌تواند به نسبتی بستگی داشته باشد که میان حفاظت و تاریخ معماری قوام می‌یابد. برای پیشبرد تحقیق پس از فهم اینکه، این دو به‌دنبال چه هستند، به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد که رابطهٔ حفاظت معماری و تاریخ معماری چگونه به‌وقوع می‌پیوندد و چه نسبتی میان حفاظت معماری و تاریخ معماری می‌تواند برقرار باشد؟ این تحقیق به‌روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر استدلال‌های عقلی به‌انجام رسیده است. داده‌ها از راه کتابخانه‌ای و بنابر نیاز، طی مشاهدات میدانی به‌دست آمده و برای تبیین موضوع در فضای عملی و واقعی، مصادیق و نمونه‌ها از پیشینهٔ حفاظت معماری در ایران بررسی شدند. هدف از پی‌جویی این موضوع تبیین نسبتی است که میان حفاظت معماری و تاریخ معماری برای پیشبرد تاریخ معماری ایران می‌تواند وجود داشته باشد.

حفاظت معماری و تاریخ معماری اگرچه با یکدیگر قرابت دارند و در اسناد جهانی، مانند منشور ونیز، به این موضوع به‌طور تلویحی توجه داده شده و مقصود از حفاظت حراست از گواه و شاهد تاریخی برشمرده شده است (ICOMOS 2016)؛ اما مسئله اینجاست که در عمل چنین امری مشکل می‌نماید. با رجوع به تجربهٔ حفاظت ایران درمی‌یابیم که در عمل، پردهٔ تناقض میان این دو وجود دارد؛ از آن‌رو که اقدامات حفاظتی نه‌تنها همواره ردّ تاریخ معماری را دنبال نکرده، بلکه موجب زیان‌هایی در حوزهٔ تاریخ معماری نیز شده است. از میان انبوه اقدامات، برای نمونه، پیرامون آرامگاه کورش کبیر در پاسارگاد در حین حفاظت و سامان‌دهی چنان زوده شد که از بقایای مسجد روزگار اتابکان (سدهٔ پنجم هجری) (حسینی شیرازی ۱۳۵۴ق، ۲۳۰) چیزی برجای نمانده است. حال آنکه این مسجد علاوه بر ارزش تاریخی‌اش، از عوامل حفظ آرامگاه در طول تاریخ محسوب می‌شد. در نمونهٔ دیگر، شواهد و بقایای تاریخی موجود در زیر کف صحن مسجد عتیق شیراز در جریان حفاظت و سامان‌دهی دور ریخته شد (شیبانی و نیک‌زاد ۱۳۸۳). به‌نظر می‌رسد اگرچه در روی دیگر، تجربه‌های حفاظتی در بناهایی مانند مسجد جامع اصفهان (گالدیری ۱۳۷۰) و مسجد جامع اردستان (آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۵۹)، که به‌سبب توجه توأمان به حفاظت و تحقیق تاریخ معماری، علاوه بر برآوردن اهداف حفاظتی، سر از تاریخ‌نویسی معماری نیز در آورده، اما در مجموع رویه‌ای منقطع، نامنضبط و نامتشکل داشته است. علی‌رغم تجربه‌های درست و نادرست و آزمون و خطاها، ریشه (چرایی) و نحوه (چگونگی) توجه به تاریخ معماری در حفاظت و رابطهٔ بین آن‌ها تبیین و مکتوب نشده و در پردهٔ ابهام قرار دارد. درحالی‌که در ایران از یک طرف انبوه آثار معماری به‌طور جاری حفاظت می‌شوند و در طرف دیگر، تحقیق تاریخ معماری جریان دارد؛ اما هر یک راه خود را می‌رود. به‌نظر می‌رسد مسئلهٔ اصلی اینجاست که نسبت میان حفاظت معماری و تاریخ معماری و چالش‌های پیش‌رو در حوزهٔ نظری تبیین نشده و تعمیق نیافته است؛ درنتیجه در حوزهٔ عملی نمود چندانی پیدا نمی‌کند. در این نوشتار، تلاش شده کلیات و جزئیات این مسئله واکاوی می‌شود.

### ۱. حفاظت معماری

فیلدن<sup>۱</sup> (۲۰۰۸-۱۹۱۹) حفاظت<sup>۲</sup> را به‌عنوان کنش (اقدام) در اثر تاریخی دیده و آن را از دیدگاه فنی و عملی بررسی کرده است. «حفاظت کنشی (اقدامی) است که از زوال اثر جلوگیری می‌کند. تمام اعمالی که عمر میراث‌فرهنگی و

طبیعی ما را دوام ببخشد و طولانی کند در مقوله حفاظت می‌گنجد» (Feilden 2003, 3). دامنه حفاظت گسترده است و اقسام متنوعی از اقدامات را شامل می‌شود که از آن راه‌ها می‌توان به حفظ اثر پرداخت. از نظر فیلدن، این اقدامات حدود و مراتبی به این شرح دارد: پیشگیری از فرسایش، نگهداری جزء به جزء موجودیت اثر، استحکام‌بخشی، مرمت، باززنده‌سازی (احیا)، بازتولید، بازسازی<sup>۳</sup> (Ibid, 8-12؛ آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۸۲ ب). هریک از این واژه‌ها دربر دارنده معنا و اقدامی است. مراتب اقدامات حفاظت در منشور بورا<sup>۴</sup> شامل نگهداری، مراقبت، مرمت، بازسازی و انطباق<sup>۵</sup> است (Australia ICOMOS 2013). این‌ها نشان می‌دهد که حفاظت لزوماً کنش همراه با دست‌بردن در اثر نیست. پیشگیری، نگهداری و مراقبت که موجب دور شدن آسیب‌ها و خطرات می‌شود، نامستقیم و بی‌دست بردن ممکن می‌شود و جزء توجهات دائم حفاظتی محسوب می‌شود. کنترل محیط پیرامون، پایش، مشاهده و مطالعه و برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری از راه‌های رسیدن به این مرتبه از حفاظت است.

اما بخش مهمی از حفاظت با دست بردن در اثر و مواجهه مستقیم با کالبد و مواد تشکیل‌دهنده آن ممکن می‌شود. علی‌رغم اصول و ضوابطی که برای همه مراتب حفاظت برشمرده شده، همواره نگرانی درباره احتمال بروز خطا و نادرستی در حفاظت وجود دارد. برای پیشگیری از بروز خطا، فرایند عمل حفاظت، همچون فرایندی فکری، همراه با تحقیق و تأمل در همه مراحل پیش‌بینی شده است. کمپ در «اصول اخلاق کاربردی» [در حفاظت] هسته فکری کنش حفاظت را در دیگرامی با سه گوشه نشان داده است. در رأس آن تحقیق پیش از مداخله در اثر، در یک گوشه قاعده ارزیابی پیش از حذف [لایه‌های] آشکار شده و در گوشه دیگر، قاعده نگهداری هویت فرهنگی اثر قرار می‌گیرد (Kemp 2009, 62).

حفاظت نمی‌تواند به‌درستی انجام شود مگر با دریافت و درک موضوعی که با آن سروکار دارد. در پیوست ۲ سند نار<sup>۶</sup> آمده است «حفاظت هر تلاشی است که برای درک میراث فرهنگی، تاریخ و معنای آن، تضمین وجه مادی آن و در صورت نیاز ارائه و معرفی، مرمت و بهبود آن صورت می‌گیرد» (ICOMOS 2016)؛ دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران (۱۳۸۸، ۸۹). فیلدن و یوکیلتهو حفاظت را یک مسئله فرهنگی می‌دانند که منوط به فهم درستی از ارزش‌های موجود در ذخیره میراثی است (فیلدن و یوکیلتهو ۱۳۸۲، ۳۳). در حوزه حفاظت، تناقض میان ارزش‌ها براساس مؤلفه‌های زیباشناسانه، تاریخی و فنی اجتناب‌ناپذیر است (یوکیلتهو ۱۳۸۷). این بدین معناست که در حفاظت ارزشی ممکن است بر ارزشی دیگر غلبه کند. به‌عبارت دیگر، برجسته شدن یکی به بهای کمرنگ شدن دیگری است. اما واقعیت این است که سه خصیصه اثر که ارزش نامیده شده، گاه تفکیک‌پذیر نیستند و جداکردن آن‌ها امری ناممکن یا سخت است؛ زیرا همه این‌ها در ماده واحدی نهفته است که متضمن موجودیت اثر تاریخی است.

در مجموع حفاظت را دست‌کم به دو معنا می‌توانیم بشناسیم: حفاظت به‌معنای عمل و حفاظت به‌معنای نظر. حفاظت به‌معنای عمل که در جایگاه «حرفه و دانش حفاظت» قرار می‌گیرد، مجموعه اقداماتی است که تکیه بر عمل دارد؛ چه عمل مستقیم که منجر به دست بردن در کالبد و ماده اثر می‌شود، چه عمل نامستقیم که با دست بردن در پیرامون اثر یا تغییر مسیر اتفاقاتی می‌شود که اثر از آن‌ها متأثر است. حفاظت به‌معنای نظر، از جنس چرایی و چیستی و در قلمرو معرفت‌شناسی قابل بسط است و به مفاهیم، نظریه‌ها، معانی و چندوچون حفاظت می‌پردازد. نظریه‌های حفاظت پشوانه عمل و گزینش شیوه اقدام در ارتباط با اثر تاریخی است. و در چشم‌انداز وسیع‌تر حفاظت را در حوزه علم بشر تعریف کرده و سامان می‌بخشد.

## ۲. تاریخ معماری

تاریخ معماری<sup>۷</sup> نوعی تاریخ است که در پی فهم گذشته معماری و شرح و تبیین آن است. وجه تمایز آن با دیگر انواع تاریخ، ماهیت شواهد تاریخی معماری و روش‌های سنجش این شواهد است (کانوی و رونیش ۱۳۸۴). تاریخ معماری به فعالیت انسان در زمینه معماری‌ای می‌پردازد که ظهور یافته و اخبار یا آثار و شواهدی از آن به دست ما رسیده است؛ از این نظر که امری واقع‌شده تلقی می‌شود، با شواهد مربوط قابل تحقیق است. معماری موضوع اصلی تاریخ معماری را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین از نظر زمان و تاریخ، از نخستین طلیعه‌های تلاش انسان تا اکنون را شامل می‌شود. عموم

تاریخ‌نامه‌های معماری با تأکید بر این موضوع نوشته شده‌اند؛ اما شناخت معماری و تاریخ آن نتیجه نظر کردن در عوامل و متغیرهای بسیار است. از نظر لیچ، درون‌مایه تاریخ معماری عبارت است از معماری از منظر تاریخی. با این توضیح که تاریخ معماری همچنین، تاریخ نسبت‌های معماری با مصنوعات و مواضع و مسائلی است که نمی‌توان آن‌ها را معماری شمرد (Leach 2010, 76). مثلاً تحولات صنعتی موضوعی در حوزه معماری نیست، اما دامنه تأثیرات آن با تاریخ معماری نسبت پیدا می‌کند. مورخ معماری از روی آنچه هست، به آنچه که بوده پی می‌برد و همواره با کوششی نقادانه سعی در فهم گذشته دارد و تاریخ معماری را بسان آینه‌ای از معماری پدیدآمده، به کار می‌گیرد.

تاریخ معماری به توسع در دو معنا می‌تواند به کار رود: تاریخ (۱) معماری (تاریخ معماری چونان رویداد)، همان رویداد و جریان در تاریخ معماری است که منجر به پدید آمدن و تغییر و تحول معماری شده یا می‌شود. و تاریخ (۲) معماری (تاریخ معماری چونان گزارش)، آن چیزی است که درباره تاریخ معماری روی داده روایت و نوشته می‌شود.<sup>۱</sup> ساخته شدن مسجد سلطانی (شاه) اصفهان در سده یازدهم هجری به دستور شاه صفوی، به دست استاد علی‌اکبر اصفهانی، تاریخ (۱) معماری است و آنچه اسکندربیک ترکمان در تاریخ عالم‌آرای عباسی و لطف‌الله هنر فر در گنجینه آثار تاریخی اصفهان درباره مسجد شاه نوشته‌اند، تاریخ (۲) معماری به‌شمار می‌رود. اگر از برخی آثار معماری اسناد و مدارکی هم‌زمان با به‌وجود آمدن یا تغییر و تحول آن‌ها در دست نباشد، دست‌کم خود اثر و شواهد موجود در آن تاریخ (۱) معماری است. مورخ و محقق، در هر مکان و هر زمان، همواره می‌تواند از راه تحقیق و نوشتن به تاریخ (۲) معماری بیفزاید. با در دست داشتن منابع تاریخ معماری، امکان اندیشیدن و مطالعه بیشتر وجود دارد. آن‌طور که در ادامه بحث خواهد شد، در حفاظت با هر دو معنای تاریخ معماری سروکار داریم.

نگاه‌ها و روش‌های گوناگونی برای نوشتن تاریخ معماری تجربه و تبیین شده است. به‌طور کلی، شش رویکرد معمول در سامان‌دهی گذشته تاریخ‌نگاری معماری مورد توجه قرار گرفته است: «سبک و دوره»، «سیره (سرگذشت)»، «جغرافیا و فرهنگ»، «گونه»، «فن» و «مضمون و تشبیه».<sup>۲</sup> ای‌سا برخی مورخان معماری این رویکردها را با هم درمی‌آمیزند (Ibid, 44). برخی معتقدند تمامی این رویکردهای به تاریخ معماری در قالب سه دسته اصلی جای می‌گیرند که شامل رویکردهای عملی، تاریخی و زیبایی‌شناسانه است (کانوی و رونیش ۱۳۸۴). بی‌گمان هریک از این نگرش‌ها به جنبه‌ای از تاریخ معماری می‌پردازد و با توجه به گرایش، کار مورخ معماری می‌تواند در هریک از رویکردهای برشمرده شده جریان داشته باشد.

### ۳. اثر / شاهد

شناخت ما از گذشته تنها از طریق آنچه بر ما نمایان است میسر می‌شود؛ از راه آثار باقی‌مانده که ممکن است انسان، شیء فیزیکی یا اندیشه باشد (استنفورد ۱۳۹۳، ۲۱۱) بقایا (جمع بقیه) چیزهایی که متعلق به گذشته‌اند و اکنون وجود دارند. گرچه رویدادهای گذشته دیگر دیده نمی‌شوند، «بقایای» آن‌ها باقی است و به‌محض اینکه برای درک رویداد تاریخی به سراغشان برویم، شواهد<sup>۱</sup> محسوب می‌شوند. آن بقایا از آن حیث که بر رویدادی دلالت می‌کنند، شاهد نامیده می‌شوند. بقایا و شواهد مصداقشان یکی اما معنایشان جداست. شواهد اقسامی دارد؛ مانند شواهد زنده، شواهد مادی، شواهد مدرکی و شواهد غیر مادی. یک قسم از بقایا، بقایای مادی است؛ مانند بناها، محوطه‌ها، شهرها و اشیاء. این‌ها شواهد مادی<sup>۲</sup> اند (قیومی بیدندی بی تا، ۱۰) و درواقع یکی از اقسام منابع تاریخ معماری محسوب می‌شوند. همین بقایا و شواهد، موضوع کار حفاظت نیز به‌شمار می‌رود؛ این قسم شواهد تاریخی حفاظت می‌شوند. پس اثر / شاهد موضوع مشترک و زمینه کار حفاظت و تاریخ معماری به‌شمار می‌رود.

### ۴. حفاظت معماری و تاریخ معماری

#### ۱.۴. شواهد و سیر تحول تاریخی در حفاظت

حفاظت به حفظ همه وجه و خصائص آثار توجه دارد؛ به‌ویژه آنگاه که کنشی در پی داشته باشد، این توجه بیش‌ازپیش افزایش می‌یابد. و از آنجایی که هر کنشی موجب دگرگونی نیز است، نادیده گرفته شدن هر جنبه‌ای می‌تواند زیان‌بار باشد. بنابراین جامعیت باید در ذات حفاظت وجود داشته باشد. موضوعاتی که حفاظت در حین مطالعه و اقدام با آن

سروکار پیدا می‌کند شامل مسائل تاریخی، کالبدی و فنی، زیبایی‌شناسی و هنری، مردم‌شناسی و فرهنگی و اقتصادی و عملکردی است (فلامکی ۱۳۸۹: ۵۱). این موضوعات باهم ارتباط دارند و به‌طور کامل نمی‌توان از یکدیگر جدا دانست. از آنجایی که تمرکز و توجه اصلی این تحقیق بر حفاظت و تاریخ معماری است، به این جنبه می‌پردازیم. توجه داشتن به «سیر تحول تاریخی» در جریان حفاظت معماری را می‌توان لایه لای اصول و ضوابط، منشورها و توصیه‌نامه‌های حفاظتی پی‌جویی کرد.

حفاظت با خصوصیات و نشانه‌های تاریخی اثر سروکار دارد و بر آن تأثیر می‌گذارد. موضوعی که حفاظت معماری با آن سروکار دارد (اثر معماری)، موصوف به تاریخی بودن است و آثار و شواهدی از تاریخی‌بودن و گذار از دوره‌ها و رویدادها بر آن محفوظ مانده است. فهم سیر تاریخی با پی بردن به همین شواهد، قابل روشن شدن است. در اصول بنیادین حفاظت به این موضوع توجه شده است. ماده ۳ منشور ونیز<sup>۱۳</sup> به روشنی به ماهیت تاریخی یادمان‌ها و اهمیت آن‌ها در مقام شاهدی بر گذشته تأکید دارد: «مقصود از حفاظت و مرمت یادمان‌ها، حراست از آن‌ها نه فقط به این دلیل که یک اثر هنری هستند، بلکه از این روی که یک گواه تاریخی<sup>۱۴</sup> هم به‌شمار می‌روند می‌باشد» (ICOMOS 2016). در «توصیه‌هایی برای تحلیل، حفاظت و مرمت سازه‌های میراث معماری»<sup>۱۵</sup> به جزئیات بیشتری درباره جنبه‌های تحقیقات تاریخی توجه شده است. در بند ۳ که به تدابیر درمانی و نظارت‌ها اشاره دارد، به ارزش تاریخی ساختار توجه شده است. «هر مداخله‌ای می‌باید تا آنجا که ممکن است فکر اصلی و تکنیک‌های ساختمانی، ارزش تاریخی ساختار و شواهد تاریخی‌ای را که بنا عرضه می‌دارد پاس دارد.» همچنین «تا آنجا که ممکن است از حذف هرگونه ماده‌ای که دربر دارنده ویژگی‌های تاریخی ساختار است، خودداری کرد.» و تأکید شده برای پرهیز از به‌خطر افتادن ساختارهای تاریخی، تعمیر همیشه بر تعویض رجحان دارد (کروچی ۱۳۸۳). تحقیقات تاریخی و آگاهی از شواهدی که طی زمان در اثر بر جای مانده، از منظر حفاظت می‌تواند اهمیت یابد؛ از این نظر که این آگاهی راهنمای حفاظت‌گر به‌سوی حل مسائل و مشکلات باشد. پی بردن به چرایی اقدامات و اتفاقاتی به‌وجودآمده در اثر که در گذشته روی داده، پس از کسب داده‌های تاریخی آنچنان ممکن می‌گردد که قادر خواهیم بود به تحلیل تاریخی درباره روند تغییرات به‌وجودآمده در اثر بپردازیم. در بخشی از بند ۴ همین توصیه‌نامه، تاریخ آزمایشگاهی تمام‌عیار دانسته شده؛ از آن روی که آگاهی از آنچه در گذشته در ساختار بنا به‌وجود آمده، می‌تواند به پیش‌بینی رفتار آینده سازه کمک کند (همان).

دوره‌های تاریخی نشان‌دهنده سیر زندگی اثر و شواهد مادی برجای‌مانده از گذر ایام است و از این روی در حفاظت باید به آن توجه کرد. گذر ایام موضوع مهمی است و حفاظت نباید موجب زدودن آن شود. الحاقات و افزوده‌های دوره‌های گوناگون، لایه‌های تاریخی که بر روی هم قرار گرفته و در مجموع همه ساخته‌ها و تعمیرات جزء جدانشدنی اثر تاریخی است و در حفاظت باید به آن توجه کرد. در ماده ۱۱ منشور ونیز حفاظت را از وحدت سبک برحذر داشته؛ زیرا قسمت‌هایی که در همه دوره‌های ساخت یک یادمان به آن افزوده شده‌اند، دارای ارزش‌اند و باید حفظ گردند. از آنجایی که در بنا ممکن است لایه‌هایی از دوره‌های گوناگون قرار گرفته باشد، برداشتن لایه‌های رویی در صورتی مجاز است که این لایه‌ها اهمیت کمی داشته و آنچه در زیر آشکار می‌شود، ارزش بسیاری داشته باشد و همچنین حفظ وضع آشکارشده ضمانت شود (ICOMOS 2016).

منشور فلورانس<sup>۱۶</sup> که درباره باغ تاریخی تنظیم شده، در ماده ۱۶ تأکید دارد حتی در مرمت، پررنگ کردن دوره‌ای خاص یا برگزیدن و محور قرار دادن بخشی از تاریخ تحول بنا پذیرفته نیست (Ibid). باغ که همچون اثری زنده همراه با تغییر و تحول مدام و چرخه زیستی، به‌معنای جایگزین شدن اجزا و عناصر شناخته می‌شود، در حفاظت، حفظ مراحل متوالی تاریخی بااهمیت شمرده می‌شود. همه این تذکرات دایره حفاظت را در حوالی تاریخ معماری نگه می‌دارد. بسیاری از تجربه‌هایی که در حفاظت معماری صورت گرفته، اهمیت موضوع را به‌طور ملموس نشان می‌دهد. در ادامه به تجربه ایران اشاره‌ای می‌شود.

#### ۲.۴. رابطه حفاظت معماری با تاریخ معماری

حفاظت بر اصولی استوار است که بتواند متضمن حفظ ماهیت تاریخی اثر باشد. از این روی که موضوع مورد حفاظت

گواه و شاهدهی بر گذشته است، در همه مراحل حفاظت توجه جدی به این شواهد تاریخی می‌شود. حفاظت ممکن نمی‌شود مگر با آگاهی از ابعاد گوناگون تاریخی و درک ماهیت اثر (کریر ۱۳۸۶)؛ به همین سبب، مطالعه اثر پیش از مرمت و پس از آن با اهمیت خوانده شده و همواره بر آن تأکید شده است. در انتهای ماده ۹ منشور ونیز آمده: «قبل از انجام هرگونه مرمت و پس از آن، باید یک مطالعه باستان‌شناسی و تاریخی در مورد یادمان صورت گیرد» (ICOMOS 2016). اقدام به بازسازی گسرده باروی کهن ری (پازوکی ۱۳۸۵) اگر با انجام مطالعات ابعاد گوناگون و تاریخ‌شناسانه اثر همراه می‌شد، مهم‌ترین شواهد اصیل حصار شهر تاریخی شتاب‌زده در زیر ساخت‌وسازهای سنگین گم نمی‌شد و تصویری معیوب و باسماهی به‌وجود نمی‌آمد.

این مسئله که ابتدا باید شناخت کافی از بنا حاصل کرد و سپس دست به مرمت برد، از چند سده پیش مطرح بوده و صاحب‌نظران درباره آن می‌نوشتند. از قرن نوزدهم هنگامی که لاسوس<sup>۱۷</sup> (۱۸۰۷-۱۸۵۷) و لودوک<sup>۱۸</sup> (۱۸۱۴-۱۸۷۹)، مرمت‌گران مطرح فرانسه، مطالبی درباره تاریخ و اصول مرمت در مجلات باستان‌شناسی چاپ می‌کردند، هدف از آن درواقع فهمیدن سبک و دوره برای بازسازی به‌همان صورت بوده است (یوکیلتهو ۱۳۸۷، ۱۵۲-۱۵۴). راهی طولانی طی شد تا اصول حفاظت و مرمت مدرن در سده بیستم اهمیت مطالعه اثر را برای شناخت و حفظ همه دوره‌های تاریخی به رسمیت بشناسد. مطالعات حفاظتی این امکان را فراهم می‌سازد که در مجموع شناخت بیشتر آثار حاصل به نظر می‌رسد. تحقیقاتی که به‌منظور مرمت صورت می‌گرفته، مانند تحقیقات باستان‌شناسی، جسته و گریخته در نوشتن تاریخ هنر و تاریخ معماری به‌کار گرفته می‌شد. در غرب از چند سده پیش و در ایران در سده اخیر کم‌وبیش چنین بوده است. آیت‌الله‌زاده شیرازی در باب اهمیت چنین تحقیقاتی ابراز داشته، بررسی‌هایی علمی که برای انجام مرمت در هر بنای تاریخی صورت می‌گیرد، فصل جدیدی است که در تاریخ معماری ایران گشوده می‌شود و نباید از آن به‌سادگی گذشت (آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۵۹، ۷).

اساس مطالعات حفاظتی بر مطالعات میدانی و کسب اطلاعات از راه مشاهدات نهاده است و باقی مطالعات به کمک طلبیده می‌شود. مرمت‌گر به‌طور عینی و ملموس با اثر مواجه می‌شود. عمده این مطالعات حفاظتی در زمره مطالعات تاریخ معماری است. برخی محققان به تأثیر نتایج مطالعات مرمت در تاریخ معماری پرداخته‌اند. هرچند در این‌باره کمتر نوشته شده، تجربیات قابل‌توجهی در این‌باره انجام شده است. از جمله در ایران، آیت‌الله‌زاده شیرازی ضمن تعمیرات مسجدجامع اردستان، نائین، نطنز و زواره در دهه ۱۳۵۰ش نتایجی به‌دست آورده که بنا به گفته او در مقدمه گزارشی چاپ شده در همین ارتباط، نظرات پیشین مورخین معماری را دگرگون می‌سازد. به گفته او:

«اهمیت این گزارش‌ها از آن نقطه‌نظر است که مبتنی بر شواهد و مدارک عینی است و تا حدی نظریات قبلی محققین را در این زمینه دگرگون می‌نماید و این شک را به‌وجود می‌آورد که غالب آنچه که تاکنون درباره مساجد مذکور گفته شده، مبتنی بر حدس و برداشتهای شخصی است تا شواهدی عینی، و تأییدی دارد بر تجدید نظر در مورد تاریخ احداث این بناها و چگونگی آن (همان).

مرمت بناهای تاریخی فرصتی شمرده شده که ضمن آن بررسی و مطالعه دقیق اثر ممکن می‌شود. دیدن شواهد ملموس و عینی چنین فرصتی را پدید می‌آورد. تجربه‌هایی مانند مطالعات مؤسسه ایزمئو<sup>۱۹</sup> که آغازگر این نوع مطالعات در ایران بوده، مثال‌هایی در این‌باره است که نتایج آن‌ها منتشر شده است. فراموش نکنیم این پژوهش‌ها در ایران وقتی آغاز شد که منشور ونیز تازه در حال تکوین بود. این مؤسسه مرمت را به‌شیوه علمی و ساختارمند به‌نحوی در ایران پیش کشید که از این راه، بستری برای مطالعات دقیق علمی درباره تاریخ معماری فراهم آید. تجربه بسیاری در خلال دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش به‌انجام رسید و پس از آن به دست ایرانیان، به‌ویژه در سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ادامه یافت. مدارک فراهم‌آمده در این راه، اسناد مهمی در تحقیق تاریخ معماری ایران محسوب می‌شود. در ادامه به این تجربه‌ها اشاره می‌شود. اما واقعیت این است که همه بناهایی که حفاظت شدند، از چنین فرصتی برخوردار نشدند؛ چه بسا حفاظت، راه به بیراهه و مخدوش ساختن اسناد و شواهد تاریخ معماری برده است. لباف خانیکی در ضمن گزارشی درباره عمارت خورشید کلات نادری، درباره معضلی که در حین تعمیرات برای بنای هارونیه طوس

به‌وجود آمده، توضیح داده که در اثر توجه نکردن به پژوهش و شناخت علمی، در ضمن تخلیه خاک‌های درون آن، شواهدی مبنی بر شناسنامه و هویت این بنا منهدم و دور ریخته شد (لباف خانیکی ۱۳۷۷). از نگاه تحقیق تاریخ معماری، حفاظت را لزوماً یک فرصت نمی‌توان شمرد بلکه تهدید هم به‌شمار می‌رود؛ زیرا حفاظت در میدان عمل، ناچار کارش را با دست بردن در جسم، ماده و لایه‌های اثر می‌آغازد. برداشتن لایه‌ها یعنی زدودن بخشی از شواهدی که از گذشته کالبد و حیات اثر را شکل داده و به آن معنا بخشیده است. این تناقضی است که متخصصان حفاظت و منشورهای حفاظت به آن توجه نشان داده‌اند.<sup>۲۰</sup> اما واقعیت این است که هنوز فاصله میان حفاظت و تحقیق تاریخ معماری در این تناقض پُر نشده است. هرچند آثاری که برداشته می‌شود تا در پس آن چیز دیگری ظاهر شود و استحکام بخشی صورت گیرد مستند می‌شود، اما با این راه حل شواهد گذشته حفظ نمی‌شود و در نتیجه، محققان آینده به‌تمام معنا شاهدان شواهد تاریخی نخواهند بود، بلکه اسناد برجای‌مانده از آن شواهد را می‌توانند بررسی کنند.

## ۵. تجربه تحقیق تاریخ معماری از راه حفاظت در ایران



تصویر ۱: برج طغرل. نقاشی کلمباری (تورنتن ۱۳۷۵، ۸۱)



تصویر ۲: برج طغرل. گراور روزنامه شرف و شرافت (اعتمادالسلطنه ۱۳۰۲، ۱۲۰)

توجه کردن و دست بردن در آثار تاریخی به‌معنای مدرن آن، آن‌طور که در دایره حفاظت جای گیرد، در ایران سابقه کم‌تر از یک سده دارد.<sup>۲۱</sup> پیش از ۱۳۰۹ش توجه به حفظ آثار معماری گذشتگان بنا به دلایل گوناگون جریان داشته، اما نمونه‌های انگشت‌شمار وجود دارد که نشان می‌دهد تعمیر آثار موجب و محرکی برای مطالعه بوده است. در نمره ۲۹ روزنامه شرف، در شهر رجب ۱۳۰۲ق، هم‌زمان با حکومت ناصرالدین‌شاه قاجار، مطلبی با عنوان «تواریخ متعلقه به مقبره طغرل» چاپ شده (اعتمادالسلطنه ۱۳۰۲ق) که معلوم است مناسبت این تحقیق و انتشار آن تعمیراتی است که به دستور شاه قاجار در ری انجام شده بود (تصویر ۱). اگرچه این کار در آن‌روز امری بود پسندیده، بررسی امروز بر ما روشن می‌کند که تعمیرات اگرچه علی‌الظاهر بر وفق اشکال و خطوط به‌کاررفته در بنا بوده، موجب از بین رفتن برخی آثار و شواهد تاریخ معماری این بنا شده است؛ از جمله کتابه کوفی که بر فراز بنا وجود داشته و رد آن در نقاشی کلمباری دیده می‌شود (تصویر ۲). ماهیت این بنا تا امروز ناشناخته است و این کتابه می‌توانست چنین ابهامی را روشن کند. پس از به میان آمدن «قانون حفظ آثار ملی» مصوب ۱۳۰۹ش، نخستین اقدامات تعمیراتی با در نظر گرفتن ارزش‌های تاریخی، به‌قصد پایدار نگه داشتن آثار بوده است. این وضع تا حدود میانه دهه ۱۳۴۰ش کمابیش ادامه داشته است. تعمیر بناهایی از قبیل چهارطاقی تپه میل ورامین، مسجدجامع یزد، مسجد عتیق شیراز، مسجد شاه و مدرسه مادرشاه اصفهان، مسجدجامع و منار سلجوقی گلپایگان چهارطاقی بازه‌هور خراسان را می‌توانیم نام ببریم. عمده مطالعات تاریخ‌نگاری معماری یا در فضای باستان‌شناسی پیش می‌رفت؛ آن‌هم با تکیه بر مجموعه‌های بزرگی از قبیل

تخت چمشید، چغازنبیل، شوش و پاسارگاد. یا در خلال مشاهدات و تحلیل‌های مورخان هنر و معماری مانند آرتور پوپ، آندره گدار، دونالد ویلبر و دیگران. در این مدت به کمتر گزارشی بر می‌خوریم که حکایت از توجه نشان دادن به مطالعه بنا در حین مرمت کند. اگر هم با این دقت انجام شده باشد، مطلب چندانی منتشر نشده و معلوم است رویه منظم نداشته و بیشتر ذوق و علاقه مرمت‌گر در توجه به این مطالعات دخیل بوده است. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود: جواد مجدزاده صهبایا در حین تعمیر امامزاده اسماعیل اصفهان در ۱۳۳۱ش به مطالعه این اثر پرداخته و شرح آن را به‌اختصار در مقاله‌ای آورده؛ از جمله در چوبی قرن هشتمی آن را بررسی کرده است (مجدزاده صهبایا ۱۳۳۴). محمدکریم پیرنیا در حین تعمیرات بقعه شاه عبدالعظیم در حدود دهه ۱۳۳۰ش موفق به کشف کتابه کوفی آجری احتمالاً از عصر بوییان (سده چهارم هجری) شد و به دنبال آن شواهد نشان داد مقبره در صورت اولیه‌اش، بنای آجری چهار ضلعی و برجی شکل بوده است (تصویر ۳ و ۴). گزارش طرح بنای اولیه پیرنیا را محمدتقی مصطفوی در نشریه انجمن آثار ملی در پاییز و زمستان ۱۳۵۵/۲۵۳۵ش به‌چاپ رساند (مصطفوی ۲۵۳۵). علی سامی در شیراز شهر جاویدان به شرح بازسازی خدای خانه شیراز پرداخته، او که خود سرپرستی این کار را از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۶ش بر عهده داشته، تصاویر آن را منتشر کرده (تصویر ۵ و ۶) و در حین این گزارش بنا را از جنبه‌های گوناگون معماری، هنری، تاریخی و اجتماعی معرفی نموده است (سامی ۱۳۶۳، ۵۶۹). در همین کتاب به بقایای کاروانسرای پاسارگاد واقع در پشت آرامگاه کورش پرداخته و تعمیرات آن را شرح می‌دهد. از جمله اینکه که این بنای دوره اسلامی که ساخته شاه شجاع مظفری است، در سایه آثار هخامنشی مورد بی‌مهری قرار گرفته است (سامی ۱۳۷۵، ۱۹۲-۱۹۴). مثال‌های دیگری هست اما فرصت برشمردن شان در اینجا نیست.



تصویر ۳: کروکی پیرنیا از آرامگاه شاه عبدالعظیم (مصطفوی ۲۵۳۵، ۸۰)



تصویر ۵: خدای خانه جامع عتیق شیراز پیش از بازسازی (Wilber 1972). تصویر ۶: خدای خانه جامع عتیق شیراز در حین بازسازی (Ibid).

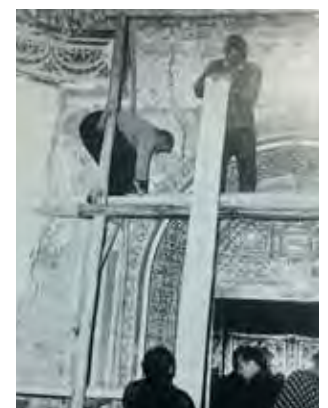
ورود برنامه‌ریزی شده و منظم علمی به تحقیق حین مرمت در ایران با تجربه مرمت‌گران ایتالیایی در مؤسسه ایزمئو در دهه ۱۳۴۰ش به‌وقوع پیوست. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران پیش‌برنده پروژه‌های مرمتی شد که پایه و اساس آن را مطالعات پیش و حین مرمت تشکیل می‌داد. گاه بخش‌های دانشگاهی همچون انستیتو مرمت دانشگاه ملی (دانشگاه شهید بهشتی امروز) در این کار مشارکت داشته‌اند. این رویه تا زمان حیات این سازمان ادامه داشت و با تشکیل سازمان میراث فرهنگی، کمابیش همان راه در پیش گرفته شد. در پرتو این تجربیات، اسناد، مدارک و شواهدی برجای مانده که به‌عنوان منابع در این تحقیق قابل بررسی است. به چند تجربه برگزیده شده که حاصل آن به چاپ رسیده، اشاره می‌شود:

مطالعات معماری درباره مسجد جامع اصفهان تا دهه ۱۳۵۰ش منحصر به داده‌هایی بود که در نوشته‌های تاریخی آمده و آنچه از ظاهر بنا قابل تشخیص بود. و عمدتاً در نوشته‌های آندره گدار<sup>۳۳</sup> (۱۸۸۱-۱۹۶۵م)، آرتور آپم پوپ<sup>۳۴</sup> (۱۸۸۰-۱۹۶۹م) و دونالد ویلبر<sup>۳۵</sup> (۱۹۰۷-۱۹۹۷م) و دیگران چاپ شده بود. مطالعات گسترده اوزینیو گالدیری<sup>۳۵</sup> (۱۹۲۵-۲۰۱۰م) که به قصد انجام مرمت در مسجد جامع به انجام رسیده بود، ناگفته‌های بسیاری را آشکار کرد.

## مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۹۶

۱۷۶



تصویر ۴: کشف کتابه کوفی آجری شاه عبدالعظیم در حین تعمیرات (همان، ۷۸)

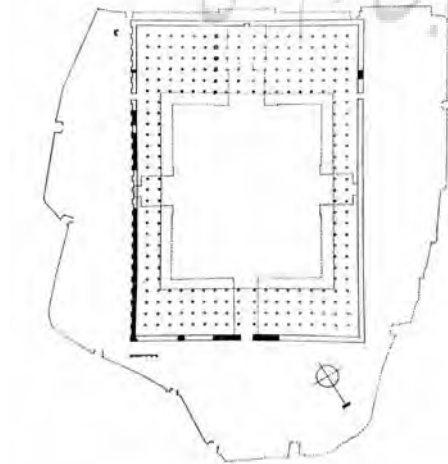


به موازات اقدامات تعمیراتی، در خلال سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸م، پیگردی و کاوش برای شناسایی مسجد اولیه (تصویر ۷) و مراحل گوناگون عملیات ساختمانی مسجد صورت پذیرفت. با انجام گرفتن این مطالعات، دوره‌های گوناگون این بنا از زمان متروک شدن مسجد اولیه، که آثار آن را امبرتو شرانو<sup>۴</sup> (۱۹۲۸-۲۰۰۵م) شناسایی کرده بود، تا وضعیت فعلی که با تغییرات تدریجی همراه بوده، روشن شد (Galdieri 1973؛ گالدیری ۱۳۷۰، ۱۱). بنیان اصلی این تحقیقات بر ردیابی و دیدن شواهد با استفاده از گمانه‌زنی باستان‌شناسی، سونداژ در حدفاصل دوره‌های ساختمانی و اجزای دیگر بوده (تصویر ۸) که بسیاری از اقدامات به‌واسطه انجام حفاظت صورت می‌گرفت. علاوه بر گزارش‌هایی که به‌صورت کتاب منتشر شد، وی با انتشار مقالاتی برخی کشفیات حین مرمت را تشریح می‌کرد؛ از جمله درباره گنبد نظام‌الملک که در نشریه فرهنگ معماری چاپ شده بود (گالدیری ۲۵۳۵، ۴۹-۳۳).

گالدیری در حین اقدامات حفاظتی عمارت عالی‌قاپو، از ۱۹۶۴م/۱۳۴۲ش به مدت ده سال، که تضمین‌کننده استحکام سازه‌های بنا و مرمت کامل آن بود، دست به مطالعات گسترده‌ای برد و از این راه دریچه‌ای گشود که توالی حیات این بنا، شامل تولد و توسعه آن تا امروز در شش مرحله اصلی معین شد (تصویر ۹) (گالدیری ۱۳۶۲، ۱۱) و معلوم شد برخلاف آنچه تا آن‌روز پنداشته می‌شد، عالی‌قاپو بر بنایی قدیمی‌تر، پیش از طرح‌اندازی میدان شاه افراشته شده (گذار و دیگران ۱۳۸۴، ۲۶۴؛ هنرفر ۱۳۵۰، ۴۱۶)، در واقع کاخی ورودی هم‌زاد و هم‌زمان میدان بوده و به تدریج بر طبقات و فضاهای آن افزوده شد. نتایج تحقیقاتی حاصل شواهد و آثار ساختمانی بوده که در حین مرمت آشکار و تجزیه و تحلیل شدند. باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی در دهه ۱۳۵۰ش، در حین تعمیرات مساجد جامع اردستان، مطالعاتی را به انجام رساند (آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۵۹، ۶) و بر اثر آن شواهدی آشکار شد که اطلاعات درباره این مساجد را دگرگون کرد. در جامع اردستان بررسی‌ها در ارتباط با مسجد اولیه با آهنگی آرام و هم‌زمان با برنامه مرمتی مسجد از ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ش به انجام رسید که طی آن، مشخصات مسجد اولیه همراه با نقشه‌ها، طرح‌ها و تصاویر ارائه شد (تصویر ۱۰) (همان، ۱۰-۹). همچنین تحولات دیگر معماری مسجد روشن شد از جمله اینکه مسجد در دوره سلجوقی علاوه بر گنبدخانه، یک ایوان متصل بدان داشته و ایوان‌های دیگر به تدریج و در دوره‌های بعد به مسجد افزوده شدند (همان، ۱۳-۹). این نتایج، نظرات گذار را مورد تردید قرار می‌داد. گذار ورود چهار ایوان را هم‌زمان و در زمان سلجوقی تشخیص داده و گنبدخانه را به‌سان کوشکی فرض کرده بود که پیش از ایوان‌ها ساخته شده‌اند (گذار و دیگران ۱۳۸۴، ۲۵ و ۱۰۸-۱۰۷).

مسجد جامع نظنر در حین مرمت‌های در دهه ۱۳۶۰ش مورد بررسی دقیق قرار گرفت. گمانه‌زنی‌ها و لایه‌برداری‌ها در فضاها و عناصر ساختمانی از جمله در زیر گنبدخانه نشان داد که گنبدخانه مسجد در ۳۸۹ق (تصویر ۱۱)، در زمان حاکمیت بوییان ساخته شده و طرح مسجد کوشک مانند با گنبدی در میان و سه طرف رواق را نشان می‌داد، این الگویی ناشناخته در تحقیق تاریخ معماری ایران بود و اساساً گنبدخانه پیش از حاکمیت سلجوقیه به مساجد ایران وارد شده بود (شیرازی و قوچانی ۱۳۷۵).

عمده این تحقیقات بررسی جامع در ارتباط با سیر تحولات تاریخی معماری برحسب هر اثر است که با تکیه بر آثار شواهد دیده‌نشده حاصل آمده است. این نوع تحقیقات سبب می‌شود حدس و گمان جای خود را به یقین متکی بر اسناد موجود در بنا بدهد. مدارکی که در مطالعات از راه حفاظت فراهم آمده، زمینه و ظرفیت لازم را برای مطالعات آتی دارد. تاریخ‌نگاری معماری حاصل از این تحقیقات با تحقیقاتی که از راه‌های دیگر حاصل می‌شود، تفاوت‌هایی دارد.



تصویر ۷: مسجد جامع اصفهان. تهران مسجد شبستانی که در بررسی‌ها آشکار شده (گالدیری ۱۳۹۲، ۲۱۳)



الف



ب



پ



ت



ث

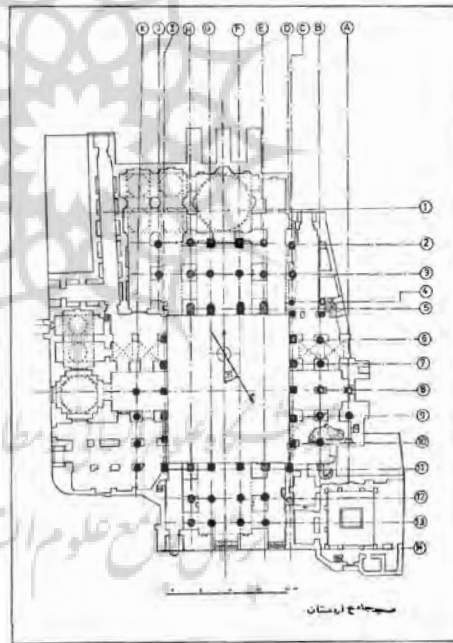


ج

تصویر ۹: عمارت عالی قاپو. سه‌بعدی سیر تحول معماری (گالدیری ۱۳۶۲).



تصویر ۸: مسجد جامع اصفهان. بقایای یکی از ستون‌های مسجد شبستانی در زیر کف (همان، ۲۲۰)



تصویر ۱۰: مسجد جامع اردستان. نقشه مسجد اولیه در دل مسجد موجود (آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۵۹، ۳۸)



تصویر ۱۱: کتابه کوفی آجری گنبدخانه مسجد جامع نطنز (قوچانی و شیرازی ۱۳۷۵، ۱۳۳)

## ۶. قلمرو مشترک حفاظت و تاریخ معماری در حوزه حفاظت

همانگونه که گفته شد، حفاظت معماری و تاریخ معماری رشته‌های مستقلی هستند و در قلمرو خاص خود اهدافشان را دنبال می‌کنند. اما به سبب قرابت موضوعی که با آن سروکار دارند و پاسخ به نیازها و مسائل، با یکدیگر همکاری می‌کنند. از این راه قلمرو مشترکی پدید می‌آید که حُسن همکاری را ممکن می‌سازد. عمده همکاری شناخته شده در حوزه کار حفاظت در دو پرده به وقوع می‌پیوندد. پرده نخست پیش از اقدامات حفاظت و پرده دوم در جریان اقدامات حفاظت.

### ۱.۶. تاریخ معماری در مقدمات حفاظت

حفاظت پیش از اینکه کنشی را در پی داشته باشد، با شناخت آغاز می‌شود تا به مرحله تشخیص برسد. بنیان اندیشه‌ای

حفاظت بر شناخت مسائل فنی، زیبایی‌شناسی و تاریخی نهاده شده است. از نظر سزازه برندی در مرمت، ماهیت دوگانه زیبایی‌شناختی و تاریخی و در وجود فیزیکی اثر، برای انتقال به آینده مورد تشخیص قرار می‌گیرد (Brandi 1996, 231). به این معنا که آثار با ویژگی و ماهیت چندگانه‌شان باید شناخته شوند؛ بنابراین پیش از دست بردن در یک اثر، شناخت آن از جهات گوناگون لازم است تا بهترین و بی‌نقص‌ترین تصمیم برای حفاظت اتخاذ شود. بی‌مقدمه و بی‌مطالعه دست بردن در بنا خطرانی در پی دارد و شناخت زمینه لازم و کافی برای کنترل خطرات احتمالی فراهم می‌آورد. بنابراین قدم نخست شناخت وضعیت و شرایط موجود با استفاده از نشانه‌های قابل‌رویت است که اطلاعاتی درخصوص فن‌شناسی و آسیب‌شناسی اولیه فراهم می‌شود (فلامکی ۱۳۸۹، ۴۸). اما شناخت بیشتر با غور در مسائل بسیاری از قبیل اقلیم‌شناسی، زمین‌شناسی، فنون و مشکلات سازه‌ای، محیط‌شناسی و جزئیات معماری و تزئینی حاصل می‌شود. تا اینجای کار وضع حالیه اثر در سیطره آگاهی حفاظت‌گر قرار گرفته و برآورد اولیه‌ای با شکل‌بندی سایه اولیه طرح حفاظت ممکن می‌شود. آنچه به مطالعات گفته‌شده معنای بیشتری می‌بخشد، شناخت پدیده‌هایی است که بر بنا اثر گذاشته و وضع امروز را برای آن رقم زده است. این همانا فهم فرایند تاریخی و آگاهی از سرگذشت بناست که به درک عمیق‌تر اثر می‌انجامد. این مرحله شناخت از راه‌های گوناگون حاصل می‌شود؛ از جمله مطالعات میدانی، مشاهده، معاینه و بررسی در اثر، داده‌های آزمایشگاهی، استفاده از اقسام منابع مکتوب و نامکتوب و اسناد و مدارک تصویری برجای مانده، به‌ویژه نقشه‌های جدیدی که تهیه می‌شود، یا مطالعات تطبیقی و تحلیلی.

تا اینجای کار، شناخت مقدمه‌ای برای حفاظت محسوب می‌شود. مقدمه‌ای که بتوان به راهکار مطلوب حل مشکلات دست یافت. نکته قابل توجه اینجاست که حفاظت بر زمین ناهموار واقعیت قدم برمی‌دارد و باید به شناخت مستند و واقعی از اثر، که دور از حدس و گمان است، دست یابد تا پشتوانه و بستر لازم برای تصمیم‌گیری و پرهیز از اشتباهات آینده فراهم شده و راه بر نظریات و گمان‌های شخصی بسته شود. بنابراین مقصد و مقصود مطالعات یادشده حفاظت است و براین اساس دانش‌های گوناگون گرد هم آمده‌اند؛ اگرچه نتیجه‌گیری مطالعات به‌سوی نحوه حفاظت است، شناخت اثر شکل می‌گیرد و نتایج آن در ظرف حفاظت جمع می‌شود. در این بین، اطلاعاتی فراهم می‌آید که بخش مهم آن به کار تاریخ معماری می‌آید و بر تاریخ (۲) معماری می‌افزاید.

## ۲.۶. تاریخ معماری در کنش حفاظت

وقتی که حفاظت به دست‌بردن (مداخله) در اثر تاریخی انجامد، حین مرمت به‌سبب اینکه لایه‌ها و ساختارها برای معاینه یا انجام تغییرات برداشته می‌شود، در پس لایه روین، شواهد نادیده‌ای (پنهانی) آشکار می‌شود که تا پیش از این در سیمای بنا ظاهر نبوده و در نتیجه آگاهی از آن وجود نداشت. آنچه آشکار می‌شود همان شواهدی است که دست‌مایه تازه‌ای برای تاریخ معماری محسوب می‌شود. و در واقع تاریخ (۱) معماری پربرتر و آشکارتر می‌شود. این شواهد می‌تواند دربردارنده نشانه‌هایی از تغییرات و تحولات بنا در اعصار گوناگون، جزئیات مسائل فنی و جز آن باشد. بناهای تاریخی که آثار ساخته گذشتگان است و با توجه به گذر ایام اتفاقاتی بر آن‌ها گذشته، بدون تغییر و تحول نمانده و بسیار محتمل است که آثار این تحولات در حین مرمت آشکار شود. بسته به اهمیت و قدمت اثر، وجود این‌گونه شواهد متغیر است. متأخرترین بناها دست‌کم حاوی اطلاعات فنی هستند که در ظاهر بنا نمی‌توان چیزی مشاهده کرد. در این لحظه، مشخصاً نقطه تلاقی مهمی برای حفاظت و تاریخ معماری رقم می‌خورد.

در همین‌جا مرمت در فضایی جریان دارد که آثار و شواهد تازه تاریخ معماری حضور دارد و این آثار نقش مؤثری در نحوه حفاظت ایفا می‌کند. فضایی که دیگر رشته‌ها و تخصص‌ها کمتر امکان ورود به آن را پیدا می‌کنند. تفاهم یا تقابل دو موضوع حفاظت و تاریخ معماری از همین نقطه آغاز می‌شود؛ زیرا مسئولیت کار حفاظت علاوه بر حل مسائل فنی، با در ارتباط قرار گرفتن با تاریخ معماری پیچیده‌تر و حساس‌تر می‌شود. در صورت توجه نداشتن، ممکن است حفاظت همانند مداخله‌ای مخرب، آثار و شواهد تاریخی را مخدوش یا تباہ کند که نتیجه آن گم و مخدوش شدن شواهد تاریخ معماری و پیرو آن معدوم یا مخدوش شدن تاریخ (۱) معماری است. از این‌روی حفاظت به‌سان تیغ دو‌دم هم می‌تواند امانت‌دار تاریخ معماری باشد و هم وسیله‌ای شود برای مخدوش کردن آن.

می‌توان این‌گونه نتیجه حاصل کرد که حفاظت علاوه بر آنکه به حفظ و استحکام کالبد بنای تاریخی می‌پردازد تا استمرار حیات آن تضمین شود، وظیفه دارد به تثبیت و حفظ شواهد تاریخ معماری نیز توجه کند؛ زیرا آن شواهد بخش مهمی از حیات بنا و تشکیل‌دهنده ماهیت تاریخی آن است. اما این توجه یک امر لغزنده‌ای است که با صلاحیت و دانش حفاظت‌گر ارتباط تنگاتنگ می‌یابد و ناچار پا در جاده اخلاق می‌گذارد؛ «اخلاق مرمت». هر لغزشی در اینجا می‌تواند فاجعه‌بار و سنگین باشد؛ زیرا اثر تاریخی تجربه تکرارنشده‌ای است. بر همین اساس اصول علمی حفاظت با اصول اخلاقی آن درهم می‌آمیزد. اینجاست که نقش تحقیق تاریخ معماری را در حفاظت معماری باید بیشتر کاوید، به‌ویژه از نظر گاه اخلاق مرمت.

تصمیم‌گیری درباره نحوه حفظ و نگهداری شواهد و بقایای تاریخ معماری آشکار شده، بخش مهمی از اندیشه حفاظت را به خود اختصاص می‌دهد. مبانی، لوازم و اسباب حفاظت در پی حل چنین مسائلی طرح‌ریزی شده و حفاظت‌گر متعهد است پاسخ‌هایی درخور برای آن بیابد. آن‌گونه که می‌دانیم، اصول حفاظت بر حفظ همه لایه‌های تاریخی تأکید دارد. مرحله نخست، یعنی مطالعاتی که پیش از دست بردن در اثر صورت می‌گیرد، در پی پاسخ گفتن به پرسش‌هایی است و هدف معلومی را دنبال می‌کند. در واقع، تحقیقی کاربردی برای تعیین وضعیت بنا و تصمیم‌گیری است تا حفاظت راه درستی را بگشاید. مرحله دوم یعنی در حین مرمت، اثر وضع پیچیده خود را نشان می‌دهد و این پیچیدگی طبیعت آثار تاریخی است. چهره ناشناخته‌ای که هر اثر در پس ظاهرش از خود بروز می‌دهد؛ این چهره ناشناخته شواهد مهمی از سرگذشت بناست که پای حفاظت را به شکل دیگری به میدان تاریخ معماری می‌کشاند. حل مسائل فنی که کار اصلی حفاظت به‌نظر می‌رسید، این بار با مسائلی از قبیل تاریخ‌شناختی آمیخته می‌شود. موقعیتی در حفاظت فراهم می‌شود که در صورت ادامه می‌تواند به آگاهی بیشتر از تاریخ معماری منجر شود. مرمت گام در راهی می‌نهد که خوب است آن را «تحقیق تاریخ معماری در حین حفاظت» بنامیم. آمیختگی کار حفاظت با تحقیق تاریخ معماری علاوه بر فراهم آمدن دانسته‌هایی که به کار تاریخ معماری می‌آید، جنبه کاربردی آن در حوزه حفاظت این است که به مشاهده و روشن‌تر شدن مسائل فنی می‌انجامد.

موشکافی و تحقیق در میان اجزای ساختمانی، برداشتن لایه‌های قرار گرفته بر روی هم، به مقصود معاینه و فهم بیشتر اثر، بیش از آنکه در پی پاسخگویی به مسائل فنی باشد، تا حدودی از حفاظت فاصله گرفته، به سرشت کار باستان‌شناسی نزدیک می‌شود. آثار و بقایای پنهان و لایه‌های تاریخی که با استفاده از روش باستان‌شناسی در آثار معماری یا محوطه پیرامون آشکار می‌شود، به‌مثابه «آثار فرهنگی» می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در بسیاری مواقع با استفاده از روش متداول در باستان‌شناسی می‌توان آثار معماری را در بونته تعیین تاریخ آزمود. مطالعات «گاه‌نگاری» به تعیین و تخمین قدمت و توالی و تقدم و تأخر لایه‌ها و ساختار می‌پردازد (دارک ۱۳۷۹، ۸۰) در عمل این نوع گاه‌نگاری به کار تحقیق در بناها می‌آید.

می‌دانیم که امروز هر بنای تاریخی در طول عمر خود حفاظت می‌شود، چه از سر اضطرار و چه با برنامه از پیش اندیشیده‌شده، بنابراین به ناچار در کالبد آن دست برده شده و احتمالاً شکافته خواهد شد. دست کم یک بار به قصد حفاظت در بنا دست برده می‌شود و چه خوب است که در همین حین، هدف تحقیق تاریخ معماری نیز دنبال شود. در فرایند حفاظت زمینه‌ای فراهم می‌آید که می‌توان به تحقیق بیشتری در اثر پرداخت، زیرا همیشه اتفاق نمی‌افتد که با روش باستان‌شناسی بتوان به سراغ آثار رفت و برای انجام تحقیق دست به کاوش (سونداژ) و لایه‌برداری در آن‌ها زد. درباره کمتر آثاری، همچون مهمان‌خانه قزوین، پیش آمده که چنین موقعیتی ایجاد شود تا از راه باستان‌شناسی شناخت کافی ایجاد شود و در ادامه نیز بتوان درباره نحوه مرمتشان اندیشه کرد (محمدمرادی و پرهیزگاری ۱۳۹۲). در صورت تکرار دست‌بردن‌ها، اثر تاریخی از دست دادن بخش‌های دیگری را تجربه خواهد کرد که البته با موازین علمی حفاظت سازگار نیست. می‌دانیم که هم حفاظت و هم باستان‌شناسی یک روی دیگرشان این است که مخرب‌اند.<sup>۳۷</sup> به این نحو که در ازای به‌دست‌آوردن چیزی، چیز دیگری از دست خواهد رفت. آنچه از دست می‌رود هرچه کمتر باشد، بهتر است. این اصل کمترین کنش مؤثر یا کمترین میزان مداخله را به‌یاد می‌آورد که فیلدن در ذیل اصول اخلاقی حفاظت ذکر کرده است (Feilden 2003, 6).

## ۷. واکاوی نسبت حفاظت معماری و تاریخ معماری

حفاظت را می‌توانیم به‌مثابه حرفه، دانش و معرفت بینگاریم. با نظر داشتن هر یک از این ابعاد می‌توانیم تعریف متفاوت و مستقلی از حفاظت ارائه نماییم و از آن‌ نظرگاه مقاصدی را بیان کنیم. نسبت حفاظت با رشته‌ها و موضوعاتی که با آن‌ها سروکار دارد، در این سه جایگاه قابل‌بررسی است. تاریخ معماری در کدام جایگاه حفاظت حضور دارد و اصولاً حضور آن کاراست؟

همانگونه که توضیح داده شد، آنگاه که حفاظت با یک اثر تاریخی سروکار پیدا کرده و گام در راه حفظ آن می‌نهد، با شناخت گسترده درباره‌ اثر آغاز می‌کند. تاریخ معماری یکی از رشته‌های مهمی است که در ابعاد و زوایای مهم این تحقیق حضور می‌یابد و بسیاری از مطالعات با آن انطباق می‌یابد. بنابراین حفاظت با تاریخ معماری همراه و محصور است. در نگاه نخست، این حفاظت است که از سر نیاز تاریخ معماری را به همکاری می‌طلبد و با آن اشتراک مرز و پهنه می‌یابد، اما با دقت بیشتر این اندیشه قوت می‌گیرد که سر دیگر این همکاری و مؤانست همانا نیاز تاریخ معماری نیز هست. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که این یک همکاری و همراهی یک‌طرفه نیست؛ در این صورت رابطه میان این دو به‌گونه‌ای است که نسبت‌هایی میان‌شان برقرار می‌شود که در ذیل به آن می‌پردازیم:

### ۱.۷. بیان نسبت‌ها

برای روشن‌تر شدن نسبت میان حفاظت و تاریخ معماری، همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، اگر تاریخ معماری را در دو معنای تاریخ (۱) معماری و تاریخ (۲) معماری بشناسیم، و حفاظت را در دو جایگاه عملی و نظری قرار دهیم، با اتکا به جستارهای پیشین این نوشتار، که از لحاظ عقلی و تجربی بحث شد، این رابطه از جهات گوناگون قابل‌تصور و بررسی است که به‌قرار ذیل می‌توان برشمرد:

الف. حفاظت با تاریخ (۱) معماری سروکار دارد؛ زیرا حفاظت در مقام عمل با اثر تاریخی مواجه می‌شود، این یکی از اعمال معماری‌انسان محسوب می‌شود و هر عمل معماری‌انسان رویدادی در تاریخ (۱) معماری و جزئی از آن است. بنابراین حفاظت خود در تاریخ (۱) معماری حاضر می‌شود.

ب. حفاظت با تاریخ (۱) معماری سروکار دارد؛ زیرا دست بردن در بنایی است که سرگذشتی دارد و آن دست بردن، نوعی دست بردن در مسیر تاریخی آن بناست؛ یعنی دست بردن در تاریخ (۱) معماری.

ج. حفاظت با تاریخ (۲) معماری سروکار دارد؛ زیرا تاریخ (۲) معماری شناخت تاریخ (۱) معماری است و نمی‌توان بنایی را بدون شناخت آنچه بر آن گذشته است به‌درستی حفاظت کرد. تاریخ (۲) معماری مقدمه لازم برای حفاظت است.

د. حفاظت با تاریخ (۲) معماری سروکار دارد؛ زیرا در حین حفاظت، یعنی در حین کارهای ماهیتاً باستان‌شناختی‌ای که در بخشی از فعالیت حفاظتی انجام می‌گیرد، شواهدی از بنا آشکار می‌شود که پیش‌تر پنهان بوده است. این شواهد دست‌مایه کار تاریخ (۲) معماری است. در نتیجه حفاظت می‌تواند شواهد تاریخ (۲) معماری را غنی‌تر کند. یا در حین تصرفات حفاظتی، ممکن است شواهدی از بین برود یا دگرگون شود. در نتیجه حفاظت ممکن است شواهد تاریخ (۲) معماری را نابود، کم‌مایه، یا حتی تحریف کند.

### ۲.۷. تجزیه و تحلیل نسبت‌ها

بندهای ۱ و ۲ مربوط به نسبت حفاظت با تاریخ (۱) معماری است، که به‌وقوع پیوسته یا خواهد پیوست، و در سرنوشت شواهد تاریخ معماری تأثیر خواهد گذاشت. این قسم ارتباط مستقیماً در فرایند «تحقیق تاریخ معماری» دخالتی ندارد؛ اما خود بخشی از تاریخ معماری است و به محض وقوع و با گذشت زمان قابل‌بازخوانی و بازگویی است. این نکته را باید در نظر داشت که اثر حفاظت‌شده با پیش از حفاظت تفاوت‌هایی دارد. برخی مصادیق را به‌عنوان مثال می‌توان شاهد آورد: سقف و سیمای قبلی تاریخانه دامغان بدون مطالعه و به اشتباه بازسازی شده است. این محصول پس از مرمت همگان را به اشتباه درباره‌ نوع پوشش و بلندای سقف و نسبت دهانه میانی با دهانه‌های پیرامون دچار کرده چنان‌که پاک کردن آن بسیار دشوار است (تصویر ۱۲ و ۱۳). برخلاف تصور رایج درباره‌ سیمای پوشیده از کاشی سردر بلند مسجدجامع یزد، که آن را مربوط به روزگار صفوی و پیش از آن می‌پندارند و برای آن دلایل تاریخی و زیبایی‌شناسی

می‌آورند، این سیما محصول تعمیرات دهه ۱۳۴۰ ش است و کاشی‌های تاریخی فقط در داخل سردر نصب شده است (تصویر ۱۴ و ۱۵). مثال دیگرگونه، مسجدجامع اردستان است که پس از مطالعه به‌نحوی مرمت شده که نه‌تنها سیما و ساختار مسجد پس از مرمت دچار دگرگونی نشده، بلکه شواهد تاریخ معماری کشف شده در خلال مرمت آشکار شده و از این راه دوره‌های گوناگون معماری قابل خواندن است (تصویر ۱۶ و ۱۷). مسجد کبود تبریز در جریان مرمت‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش هیئت متکامل خود را تا حد زیادی به‌دست آورد (وهاب‌زاده ۱۳۸۵، ۲۳۵)؛ درحالی‌که تا پیش از آن تصویری که از این بنا وجود داشت، ویرانه‌ای زیبا و قابل مطالعه بود. علاوه بر این‌ها، در عمل مصادیق بسیار دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد حفاظت به دگرگون کردن تصویر بنای تاریخی، در صورت منفی یا مثبت آن، می‌انجامد و در نتیجه محصول نهایی مرمت در روند تاریخ معماری مؤثر واقع می‌شود.

اما بند ۳ و ۴ مربوط به نسبت حفاظت با تاریخ (۲) معماری است که اساساً جوهر شناختی دارد و سبب ارائه دانسته‌های تازه‌ای می‌شود. این رابطه در پی آن است که به حقایق و پوشیده‌های اثر راه یابد و از آن تصویری جز آنچه در ظاهر پیداست، به‌دست دهد. در اینجا حفاظت و تحقیق تاریخ معماری به‌گونه‌ای بر هم منطبق می‌شوند که رابطه مستقیم و بی‌واسطه در ارتباط با موضوع و دغدغه مشترک پیدا می‌کنند.

در بند ۳، تاریخ (۲) معماری در خدمت حفاظت درآمده و مقدمه‌ای برای پیشبرد آن می‌شود. این امر برای مرمت‌گران واضح و در عمل نیز به‌کار گرفته می‌شود و کمتر اقدام مرمتی، دست‌کم در ظاهر، بدون مطالعه به‌انجام می‌رسد. مطالعات گسترده و راهگشای انجام‌شده در پروژه مرمت باغ و عمارت مسعودیه تهران که با اتکا به وضع موجود اثر، شناخت منابع و اسناد نوشتاری و تصویری برجای‌مانده از دوره قاجار صورت گرفت، نمونه مثال‌زدنی است. ازجمله آثار رواق پیرامون حیاط و حوض فضای زیر دیوان‌خانه ضمن مطالعه در متون قاجاری و دقت در عکس‌های این دوره کشف و سپس بازسازی شد (آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۳۸۲ الف).

اما در بند ۴، حفاظت در خدمت تاریخ معماری قرار گرفته و موجب فراهم آوردن دست‌مایه لازم برای آن می‌شود. حفاظت در همین حال و در روی دیگرش به‌جای پر بار کردن تاریخ (۲) معماری، می‌تواند با مخدوش ساختن شواهد آن را کم‌مایه نماید. درواقع حفاظت می‌تواند به‌عنوان خادم و هم مانع نسبت به تاریخ معماری ظاهر شود. سبب اصلی این ناساز (تناقض) موقعیت استثنایی رابطه حفاظت با شواهد مادی تاریخ معماری است؛ زیرا رابطه‌ای بی‌واسطه، عینی و ملموس به‌شمار می‌رود؛ طوری که هر تصمیم یا عمل در فضای حفاظت با سرنوشت این شواهد ارتباط خواهد یافت. به این نحو که حفاظت هر آن با تصمیم و تشخیص درباره نگه داشتن یا برداشتن آثاری روبه‌روست که ممکن است مهم یا غیر مهم باشند. اگر هدف حفاظت تضمین سلامت و استحکام بنا برای استمرار حیات آن است، این امر ناچار ممکن است با برداشتن آثاری ممکن شود که خود شواهد تاریخ معماری تلقی می‌شوند.

مثال‌های گوناگونی در ایران وجود دارد. بر بالای کوشک صفوی باغ شاه فین چتری (کلاه فرنگی) چوبی احتمالاً از عهد شاه صفی وجود داشت، که در عکس‌ها و گراورهای قدیمی دیده می‌شود (جیحانی و عمرانی ۱۳۸۶، ۴۷)؛ این جزء از بنا در حین مرمت برداشته شد؛ حال آنکه جزئی از این بنا بوده و به‌مانند دیگر اجزا باید حفظ می‌شد. در جریان اقدامات حفاظتی وسیع و سازنده در ارگ کریم‌خانی شیراز، بنای زندان دوره پهلوی اول، که در میان حیاط قرار داشته، برچیده شد؛ درحالی‌که این ساختمان جزء تاریخ این بنا محسوب می‌شد.

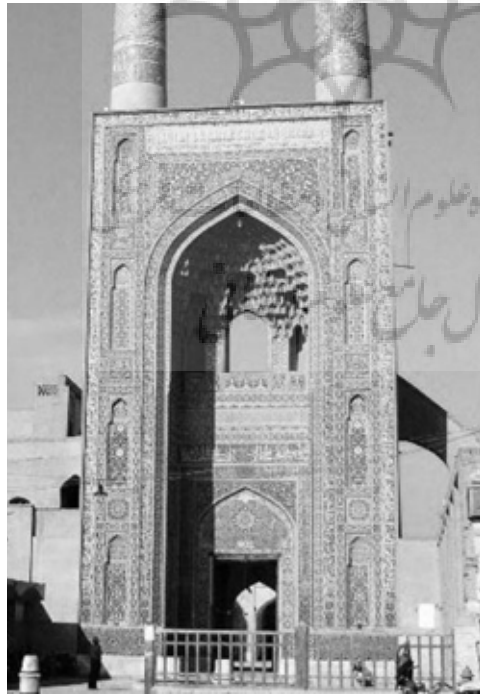
به‌جز حالت‌های ممکن گفته‌شده که نسبت‌هایی را بین کنش حفاظت و تاریخ معماری مطرح می‌سازد، این دو در مبانی اندیشه‌ای‌شان می‌توانند به هم نزدیک شوند؛ اینکه تاریخ معماری اساساً معرفتی است که به‌دنبال شناخت موضوعی به نام معماری روی داده است و تا حدودی با بسط روش‌های تحقیق در علم تاریخ حاصل می‌شود. و حفاظت معرفت یافتن به ذخیره میراثی، ازجمله معماری، است که با هدف حفظ آن حاصل می‌شود. معرفت به اثر تاریخی غایت حفاظت را نمی‌سازد، بلکه غایتش در حفظ اثر تجلی می‌یابد. باین‌حال، این جنبه از معرفت حفاظت از جنس تاریخ معماری و هم‌ساز و هم‌آوا با آن است. گویی در این لحظه شایسته است تاریخ معماری را از منظر حفاظت معماری آن‌گونه بنگریم که گویی روی دیگر وظیفه حفاظت پیشبرد تاریخ معماری و بلکه همزاد و همراه آن است.



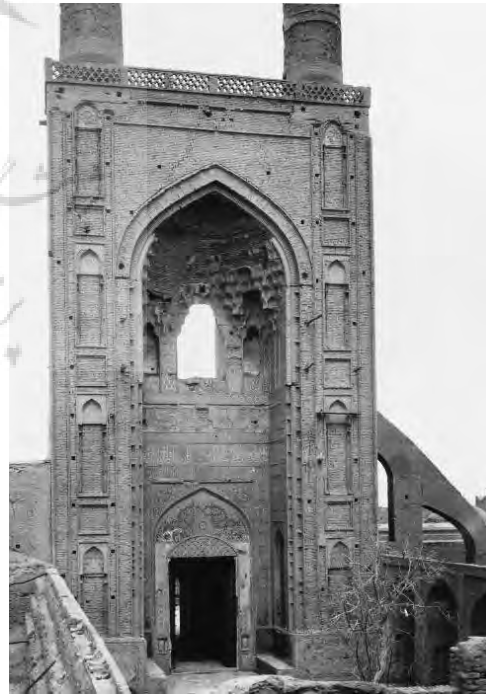
تصویر ۱۳: سوی قبله تاریخانه دامغان پس از تعمیرات دهه ۱۳۳۰ ش دچار تغییر در طرح اولیه شده است و چنان به نظر می‌رسد که ایوان دارد. طاق ناو میانی اصالت خود را حفظ کرده است.



تصویر ۱۲: سوی قبله تاریخانه دامغان در ۱۹۱۳ م/ ۱۲۹۱ ش. قوس‌های رو به صحن و طاق شبستان در یک تراز قرار دارد (سمسار و سرائیان ۱۳۸۲: ۲۹۴).



تصویر ۱۵: سردر شرقی مسجد جامع یزد پس از مرمت و تکمیل کاشی‌کاری سطوحی که اجرا نشده مانده بود.



تصویر ۱۴: سردر شرقی مسجد جامع یزد در ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۱ ش. پیش از مرمت و درحالی که جداره بیرونی آن بدون کاشی‌کاری است (Art and Architecture 2016).

## مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۹۶

۱۸۳



تصویر ۱۷: مسجد جامع اردستان. ردّ ستون مسجد اولیه، واقع در کف میان ایوان شرقی، در مرمت مشخص شده است.



تصویر ۱۶: مسجد جامع اردستان. تویزه‌های مسجد اولیه در ارتفاع بالاتر از زیر لایه‌ها به‌در آمده و در مرمت نشان داده شده است.

## نتیجه

حفاظت معماری و تاریخ معماری بر هم مؤثرند و گاه کنش‌هایی با یکدیگر دارند. منافع‌شان در ارتباط پیدا کردن با اثر تاریخی، که برای حفاظت موضوع اصلی کار و برای تاریخ معماری شاهد تلقی می‌شود، با هم گره می‌خورد. در این تلاقی و همکاری اگرچه انتفاع حفاظت، که حفظ اثر تاریخی است، شکل می‌گیرد، در این میان تاریخ معماری نیز به‌بار می‌نشیند؛ آن‌گونه که تا پیش از این میسر نبود. حفاظت در جایگاه عمل و نظر با دو معنای تاریخ (۱) و تاریخ (۲) معماری سروکار دارد. حفاظت از این نظر که به‌عنوان مقدمه و برای انجام کار مطلوب دست به شناخت اثر می‌زند، در واقع تاریخ (۲) معماری (تحقیق تاریخ معماری) را پیش می‌برد؛ از طرفی در حین عمل حفاظت بر روی بنا، آثاری آشکار می‌شود که همان شواهد تازه تاریخ معماری است و دست‌مایه تازه تحقیق در تاریخ (۲) معماری. با این اوصاف به‌اجمال نتیجه حاصل می‌شود که حفاظت در کنار اهدافی که برای حفظ و استمرار حیات آثار تاریخی دنبال می‌کند، گویی محملی برای تحقیق در تاریخ معماری نیز هست و در همه احوال نسبت نزدیک و مشترکی با تاریخ معماری دارد. در این صورت، ظرفیت حفاظت معماری و نقاط قوت و ضعف آن برای تحقیق تاریخ معماری نیاز به بررسی و جست‌وجو در اجزا و چگونگی دارد، که موضوع این بحث نبود.

در یک روی رابطه تحقیق تاریخ معماری از این نظر که موجبات شناخت اثر را مهیا می‌سازد، برای حفاظت یک نیاز و ضرورت است؛ زیرا بدون شناخت، حفاظت مطلوب حاصل نمی‌شود. و با شناخت کم، پایه‌های حفاظت لرزان است. درباره این رابطه در اصول حفاظت، که مورد وثوق جهانی است، بحث و روشن‌گری صورت گرفته و در این نوشتار به آن اشاره شده است. روی دیگر رابطه می‌تواند با طرح نیاز تاریخ معماری به حفاظت پیش کشیده شود. تاریخ معماری برای رفع حوائج و نیازهای خود به سراغ حفاظت نمی‌رود؛ اگرچه در حفاظت توجه به شواهد تاریخ معماری ضروری و اصولی شمرده شده، در تاریخ معماری روی آوردن به حفاظت برای کسب داده‌ها نیاز به تعریف و تبیین دارد. در این صورت، کفه ترازو در رابطه میان حفاظت و تاریخ معماری هم‌وزن شده و نسبت متوازی میان این دو برقرار خواهد شد.



حفاظت باتوجه به سروکار داشتن ملموس با آثار معماری، روایتی مبتنی بر مشاهده با استناد به شواهد و اسناد دیده نشده یا کمتر دیده شده است؛ این گونه مطالعه در تاریخ‌نگاری معماری می‌تواند راهگشا باشد. بنابراین حفاظت از ظرفیتی در تحقیق تاریخ معماری برخوردار است؛ چنان‌که قادر به گشودن برخی گره‌ها و روشن ساختن برخی ابهامات در تاریخ‌نگاری معماری است. این ظرفیت عمدتاً در دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ ش و اندک‌شمار پس از آن در ایران تجربه شده و نتایج حاصل از آن نیز عرضه گردیده است. این نوع تحقیق حین مرمت که به شناخت ساختاری تغییرات و تحولات آثار مورد مرمت و مطالعه منجر شده، با دیگر اقسام تحقیقی که در تاریخ معماری ایران صورت گرفته بود، تفاوت‌هایی اساسی داشته است که آن به سبب دست یافتن به شواهد مادی معماری موجود در آثار بوده است. اما در دو دهه اخیر در اقدامات حفاظت ایران به تاریخ معماری بی‌توجهی نشان داده شده است. چه بسیار موقعیت‌هایی در حفاظت وجود داشته که می‌شد تاریخ معماری را به تحریر درآورد و آثار و نشانه‌های آن را در تک‌تک بناها حفظ کرد؛ متأسفانه حفاظت در چهره ناموزونش به مخدوش کردن شواهد تاریخ معماری، که تکرار نشدنی است، پرداخت. به نظر می‌رسد تعریف بنیانی رابطه حفاظت معماری و تاریخ معماری و تبیین نسبت میان این دو (موردنظر این تحقیق) بتواند از قدم‌های اولیه‌ای باشد که از تکرار تلخ این فراموشی بکاهد.

در این تحقیق، حفاظت معماری در نسبتش با تاریخ معماری در دو چهره تقویت‌کننده (خادم) به تاریخ معماری و مخدوش‌کننده (مانع) به تاریخ معماری نشان داده شد. علاوه بر آنچه گفته شد، نکاتی برجای می‌ماند که خود موضوع پژوهش دیگری است. از جمله توجه به میزان بسط معرفت به تاریخ معماری در حفاظت به طوری که تأکید بر این امر حفاظت را به ورطه‌ای نیندازد که از هدف اصلی‌اش دور شود.

## سپاس

تنظیم و نگارش این مقاله مرهون کمک و راهنمایی عالمانه و بی‌دریغ جناب آقای دکتر مهرداد قیومی بیدهندی است. سپاس‌گزاری از ایشان کمترین کاری است که از نویسنده برمی‌آید.

## پی‌نوشت‌ها

1. Sir Bernard Feilden

۲. در این تحقیق، حفاظت مترادف با Conservation است. در چند دهه اخیر، «حفاظت» در کتاب‌ها و نشریه‌های ایران حفاظت مترادف با Conservation به کار رفته؛ اما این واژه‌ای مجعول است (نجفی، غلط‌نویسیم، ص ۱۶۲) و در نوشته‌های فارسی سابقه‌ای ندارد و به غلط، چند دهه اخیر فارسی‌زبانان آن را به کار گرفته‌اند. واژه «محافظت» هم می‌تواند در این معنا به کار رود، اما حفاظت را به سبب متداول شدن آن در زبان فارسی در حوزه‌هایی چون میراث‌فرهنگی، میراث طبیعی و محیط‌زیست به کار گرفته‌ایم.

3. Prevention of Deterioration, Preservation, Consolidation, Restoration, Rehabilitation, Reproduction, Reconstruction.

4. Burra Charter, The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance, adopted 1979-2013.

5. Maintenance, Preservation, Restoration, Reconstruction, Adaption.

6. Nara Document on Authenticity (1994)

7. Architectural History

۸. این دسته‌بندی براساس نظر استنفورد در فلسفه تاریخ است که به دو معنای متمایز تاریخ اشاره می‌کند. «تاریخ (۱)» جریان رویدادهاست که در واقع اتفاق افتاده (تاریخ چونان رویداد) و «تاریخ (۲)» آنچه که درباره رویدادها باور داریم و می‌نویسیم (تاریخ چونان گزارش) (استنفورد ۱۳۹۲، ۲۲). در اینجا با کمک‌گرفتن از استنفورد و تمایز دو معنای تاریخ معماری، می‌توان به تبیین رابطه آن با حفاظت کمک کرد.

9. Biography
  10. Theme and Analogy
  11. Evidence
  12. Physical Evidence
  13. International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites (Venice Charter 1964)
  14. Historical Evidence
  15. ICOMOS Charter – Principles for the analysis, conservation and structural restoration of architectural heritage (2003)
  16. Historic Gardens (Florence Charter 1981)
  17. Jean Baptiste Lassus
  18. Eugene Emmanuel Viollet-Le-Duc
  19. Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente ('Italian Institute for Middle and Far East')
- مؤسسه ایتالیایی خاور میانه و خاور دور (ایزمئو)

۲۰. ماده ۹ و بویژه ماده ۱۱ منشور ونیز اشاره به همین مضمون دارد.

۲۱. اگر تصویب قانون «حفظ آثار ملی» مصوب ۱۳۰۹ش را مبنا قرار دهیم، ۸۶ سال از آن زمان می‌گذرد.

22. Andre' Godard
23. Arthur Upham Pope
24. Donald Wilber
25. Eugenio Galdieri
26. Umberto Scerrato

۲۷. رشته بنا باستان‌شناسی (Building Archeology) با رویکرد پرهیز از اقدامات تخریبی در مطالعه آثار معماری، برای تحقیق در این‌گونه آثار از راه باستان‌شناسی به‌وجود آمده که هدف آن بازسازی تاریخ بناها با استفاده از ثبت مشاهدات مستقیم، لایننگاری و تحلیل است که با دست بردن محدود به انجام می‌رسد (Boato & Pittaluga 2016).

## منابع

- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر. ۱۳۵۹. مسجد جامع اردستان. فصلنامه اثر. ۱ (۱): ۵۱-۶.
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر ۱۳۸۲ الف. مجموعه تاریخی فرهنگی باغ عمارت مسعودیه. در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. به‌کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- . ۱۳۸۲ ب. حفاظت بناهای تاریخی. فصلنامه هفت‌شهر. ۱۱ (۱): ۱۳-۶.
- استنفورد، مایکل. ۱۳۹۲. درآمدی بر فلسفه تاریخ. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.
- . ۱۳۹۳. درآمدی بر تاریخ پژوهی. ترجمه مسعود صادقی. تهران: دانشگاه امام صادق و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. ۱۳۰۲ق. [برج طغرل]. روزنامه شرف، نمره بیست و نهم (رجب‌المرجب): ۱۱۳-۱۲۰. دوره روزنامه شرف و شرافت. ۱۳۶۳. مقدمه و فهرس جواد صفی نژاد. تهران: انتشارات یساولی فرهنگسرا.
- پازوکی، ناصر. ۱۳۸۵. حفاظت و مرمت باروی قدیم ری؛ در محدوده چشمه علی. مجله اثر. ۴۱ و ۴۰ (۱): ۲۰۵-۲۱۹.
- تورتن، لین. ۱۳۷۵. تصاویری از ایران؛ سفر کنل کلمباری به دربار شاه ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- جیحانی، حمیدرضا، و محمدعلی عمرانی. ۱۳۸۶ق. باغ فین. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- حسینی شیرازی، میرزا آقای فرصت. ۱۳۵۳ق. آثار عجم. ج ۲. بمبئی: مطبع نادری.

- دارک، کن. آر. ۱۳۷۹. مبانی نظری باستان‌شناسی. ترجمه کامیار عبدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران. ۱۳۸۸. راهنمای اجرایی کنوانسیون میراث جهانی، ژانویه ۲۰۰۸. ترجمه فرزین فردانش. تهران: دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران.

- سامی، علی. ۱۳۶۳. شیراز شهر جاویدان. چاپ سوم. شیراز: انتشارات نوید.

- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۵. پاسارگاد پایتخت و آرامگاه کوروش هخامنشی. به کوشش و بازنگری غلامرضا وطن‌دوست. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

- سمسار، محمدحسن، و فاطمه سراییان. ۱۳۸۲. کاخ گلستان (آلبوم‌خانه): فهرست عکس‌های برگزیده عصر قاجار. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

- شیبانی، زرین تاج و ذات‌الله نیک‌زاد. ۱۳۸۳. بازشناسی مسجد عتیق شیراز. نامه پژوهشگاه میراث‌فرهنگی. ضمیمه ۷ (۲). تهران: سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری.

- علیزاده، عباس. ۱۳۸۰. تئوری و عمل در باستان‌شناسی با فصل‌هایی در زیست‌شناسی تحولی و معرفت‌شناسی. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

- فلامکی، محمدمنصور. ۱۳۸۹. بازنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- فیلدن، برنارد. ام، و یوکا یوکیتهو. ۱۳۸۱. رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث جهانی. ترجمه سوسن چراغچی تهران: سازمان میراث‌فرهنگی، معاونت معرفی و آموزش.

- قوچانی، عبدالله، و باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. ۱۳۷۶. بررسی کتیبه‌های تاریخی مجموعه نطنز و مسجدجامع ناین. فصلنامه اثر. ۲۶ و ۲۷ (۴ و ۳): ۱۳۲-۱۴۲.

- قیومی بیدندی، مهرداد. ۱۳۸۸. سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آن‌ها. فصلنامه گلستان هنر. ۱۵ (۱): ۵-۲۰.

- کانوی، هیزل، و رائن رونیش. ۱۳۸۴. تاریخ معماری چیست؟. ترجمه حمیدرضا خوبی. فصلنامه گلستان هنر. ۲ (۴ و ۳): ۲۴-۳۶.

- کروچی، جورجیو، و داوید یومانس. ۱۳۸۳. توصیه‌هایی برای تحلیل، حفاظت و مرمت سازه‌های میراث معمارانه. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. فصلنامه اثر. ۳۷ و ۳۶ (۱): ۲۲۹-۲۴۴.

- گذار، آندره، و دیگران. ۱۳۸۴. آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سرو مقدم. ج ۴. چ ۲. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- کریر، دیوید. ۱۳۸۶. مرمت در جایگاه تفسیر اثر هنری: دیدگاه یک فیلسوف. ترجمه امیرحسین کریمی. فصلنامه مرمت و پژوهش. ۳ (۴): ۲۷-۳۶.

- گالدیری، اوژنیو. ۲۵۳۵. اطلاعاتی راجع به گنبد نظام‌الملک در مسجدجامع اصفهان. فرهنگ معماری. ۳ و ۲ (۱). تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران. ۳۳-۴۹.

- \_\_\_\_\_ . ۱۳۷۰. مسجدجامع اصفهان. ترجمه عبدالله جبل عاملی. اصفهان: مدیریت میراث‌فرهنگی استان اصفهان.

- \_\_\_\_\_ . ۱۳۶۲. کاخ عالی‌قاپو. ترجمه عبدالله جبل عاملی. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی.

- گلیجانی مقدم، نسرين. ۱۳۸۴. تاریخ‌شناسی معماری ایران: طرح رویکردی جدید با توجه به کاستی‌های تاریخ‌نگاری معماری ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لباف خانیکی، رجبعلی. ۱۳۷۷. پژوهش و گمانه‌زنی در عمارت خورشید کلات نادری. فصلنامه اثر. ۲۹ و ۳۰ (۲ و ۱): ۱۶۸-۱۸۶.

- مجدزاده صهبا، جواد. ۱۳۲۳. در تاریخی امام‌زاده اسماعیل اصفهان. مجله یادگار. ۴ (۹): ۷۷-۷۹.

- محمدمردادی، اصغر و مهرزاد پرهیزگاری. ۱۳۹۲. رویکردی به احیای مهمان‌خانه قاجاری قزوین. فصلنامه مطالعات معماری ایران. ۳ (۲ و ۱): ۵۵-۶۶.

- مصطفوی، محمدتقی. ۲۵۳۵. آستانه حضرت عبدالعظیم (ع) شهر ری. نشریه انجمن آثار ملی. ۱ (۱): ۷۶-۹۰.

- نجفی، ابوالحسن. ۱۳۸۴. غلط‌نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی). چ ۱۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- وهاب‌زاده، عبدالرحمن. ۱۳۸۵. مسجد کبود؛ دیروز امروز. مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران. به‌کوشش باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگر: ۲۱۳-۲۷۴.
- هنرفر، لطف‌الله. ۱۳۵۰. گنجینه آثار تاریخی اصفهان. چ ۲. تهران: ناشر مؤلف.
- یوکیلتهو، یوکا. ۱۳۸۷. تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: انتشارات روزنه.
- Art and Architecture. 2016. <http://www.artandarchitecture.org.uk/search/results.html?n=21&qs=yazd>. (accessed Sep 18, 2016).
- Australia ICOMOS. 2013. *Burra Charter; The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*. Burwood: Deakin University. Faculty of Art.
- Brandi, Cesare. 2004. Theory of Restoration I. in *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage*. 230-235. Washington D.C.: the J. Paul Getty Trust.
- Boato, Anna, and Daniela Pittaluga. 2016. Building Archaeology: A Non-Destructive Archaeology. <http://www.ndt.net/article>. (accessed Jan 20, 2016).
- Feilden, Bernard. M. 2003. *Conservation of Historic Building*. third edition. Oxford: Architectural Press.
- Galdieri, E. 1973. *Esfahan: Masjid – I Guma*. vol 2. Roma: Is MEO.
- ICOMOS. 2016. International Charter for Conservation and Restoration. <http://www.international.icomos.org>. (accessed Des 25, 2015).
- Kemp, Jonathan. 2009. Practical Ethics. In *Conservation: Principles, Dilemmas and Uncomfortable Truth*. 60-72. London: Published in association with the Victoria and Albert Museum.
- Leach, Andrew. 2010. *what is Architectural History?* Cambridge: Polity Press.
- Wilber, Donald Newton. 1972. *The Masjid-i 'Atiq of Shiraz*. Shiraz: Asia Institute, Pahlavi University.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی  
شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۹۶